



### میانبر طلاق؛ بدون وقفه و تأمل

بررسی دلایل افزایش طلاق توافقی در گفت‌وگو با دادرس اجرای احکام مجتمع قضایی خانواده شماره ۲ تهران

۱۸

• دوشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۲ | ۱۳ محرم ۱۴۴۵ | سال سی‌ویکم • شماره ۸۸۴۴

# هلمشهری اجتماعی



طرح هلمشهری بهرام غوری

# پشت‌پرده مافیای طلاق

کاسبی جدید دلان طلاق؛ پول بده، بی‌در دسر طلاق بگیر!

گزارش

سحر جعفریان

روزنامهنگار

تا پیش از رویت و بر خورد با آگهی‌های تبلیغاتی که مضامینی مانند «طلاق فوری؛ تضمینی»، «طلاق در

کمتر از ۲۰ روز»، «طلاق؛ شروعی دوباره» و از این دست دربرداشتند، صحبت از مافیای طلاق، بیشتر به یک شسوخ عجیب یا تصویری فانتزی می‌ماند؛ مافیایی که حالا دیگر نه شوخی است و نه تصویری فانتزی! مافیای طلاق سال‌هاست در خلأ راهکارهای قانونی و فرهنگی در راستای کاهش آمار طلاق‌های توافقی به‌عنوان

پر تعداد ترین طلاق‌های ثبتی در کشور، فرصت ظهور یافته و با سودای سودآوری‌های مالی بر بنیان خانواده‌ها تاخته است. طبق آخرین آمار منتشرشده از سوی سازمان ثبت احوال، ۸۰درصد از طلاق‌ها به‌صورت توافقی و در ۱۵ساله نخست زندگی مشترک ز زوجین صورت می‌پذیرد؛ آن‌هم در شرایطی که به عقیده کارشناسان

حوزه خانواده، جامعه‌شناسان و روانشناسان اگر در روبه‌اجرای طلاق‌های توافقی، دست‌اندازی قانونی و تبصره‌های بازدارنده با آموزه‌های فرهنگی وجود داشته باشد، نه مجالی برای عرصه‌گشایی مافیای طلاق می‌ماند و نه زوجین در اثر ناآگاهی و واکنش به تکانه‌های عصبی زندگی مشترک، تصمیم اشتباه می‌گیرند.

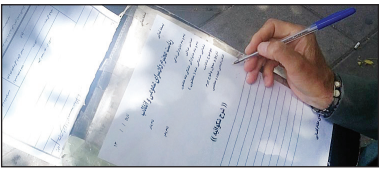
### ۵جلسه چنددقیقه‌ای برای بازگشت از تصمیمی سخت



دیگری مراجعه کنید. در آن مرکز باید ۵جلسه مشاوره در بازه زمانی ۲۵روزه را پشت سر بگذارید. بعد هم باید با گواهی عدم انصراف از طلاق توافقی به دفاتر الکترونیک قضایی محدوده محل سکونتان مراجعه کنید و ضمن تکمیل فرم و پرورنده، راهی دادگاه خانواده شوید. این مرحله هم بین ۱۰ تا ۱۵روز زمان می‌برد.»

سری هم به یکی از مجتمع‌های قضایی خانواده در جنوب‌شرقی تهران می‌نیم. جمعیت زیادی، پریشان از مشکلات خانوادگی ویی‌حاصله از گرمای بیش از ۴۰درجه هوامقابل مجتمع قضایی موردنظر، به این طرف و آن طرف می‌روند. «پرسا» یکی از همین دهه‌افر جمعیت سرگردان است. حکم دادگاه مبنی‌بر جاری‌شدن خطبه طلاق را در دست دارد. او می‌گوید: «یک وکیل کار کشته پیدا کن تا مثل من ۳ماه آواره دادگاه‌نباشی؛اگه دنبال همچین وکیلی هستی، من سراغ دارم. فقط په‌کم تعرفه و کالنتش بالاست. البته‌ارزش داره. ۱۰میلیون هزینه کن، به عمر راحت باش.» باینکه سال‌هاست سامانه ثنا فعال شده تا همه درخواست و دادخواست‌ها به‌صورت الکترونیک و منسجم ثبت شود، اما هنوز تعدادی عرضه‌نویس حوالی مجتمع قضایی دیده

### وکیل نه، کارچاق کن آری!



می‌شوند. یکی از آنها که بعد از حدود ۲۰سال عریضه‌نویسی، حسابی مویی سسید کرده با کنایه می‌گوید: «با این همه تجربه‌های حقوقی که من دارم چیزی کمتر از وکیل و قاضی نیستم. هر چند توصیه می‌کنم به جای وکیل، برای حل مشکلک به کارچاق‌کن‌ها متوسل شوی. کمی چشم بچرخانی و تیز شوی، همین اطراف پیداایشان می‌کنی.»

### طرح‌هایی برای جدانشدن

برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق بعد از تصویب در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۹۴ در دستورکار نهادهای دولتی مانند قوه‌قضاییه، وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، سازمان بهزیستی و دانشگاه‌ها قرار گرفت. به موجب این برنامه ملی، طرح‌های تحکیم بنیان خانواده باید در راستای محورهای آموزش، مشاوره، حمایت‌های اجتماعی، فرهنگسازی، قضا و داورۃی، سلامت و برنامه‌ و بودجه تدوین و اجرا می‌شود. کمیت و کیفیت اجرای برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق تاکنون مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان و مسئولان قرار گرفته است. طبق قانون حمایت از خانواده، سال ۱۳۹۷ بین داد‌گستری و سازمان بهزیستی توافقی صورت گرفت تا ضمن کاهش آمار طلاق در کشور، فرهنگ سازش و بخشش نیز بیش از پیش رونق گیرد. طبق این توافق سامانه تصمیم یا مداخله در طلاق توافقی راه‌اندازی شد. افراد متقاضی طلاق توافقی پیش از مراجعه به داد‌گاه‌های خانواده، باید تقاضای طلاق خود را در این سامانه ثبت کنند. بعد از ثبت اطلاعات، زوجین به مراکز مشاوره معین معرفی می‌شوند تا دلایل آنها برای طلاق مورد ارزیابی و غربالگری قرار گیرد. چنانچه زوجین بعد از طی فرایند قانونی و گذراندن جلسات مشاوره طلاق و غربالگری، همچنان به سازش نرسند، پرونده طلاق برای ادامه بررسی به دفتر خدمات الکترونیک قضایی فرستاده خواهد شد. طبق آمار منتشرشده از سوی سازمان ثبت‌احوال، فعالیت این سامانه تأثیر بسزایی در میزان آمار طلاق برخی از استان‌های کشور داشته است.

نکته

۱۴۰۰

در این سال آمار طلاق در کشور ۲۰۴هزار و ۴۸۶واقعه و در سال ۱۴۰۱برابر با ۲۰۴هزار و ۲۹۴واقعه ثبت رسیده است.

۱۱۱

۱۸۵

از مجموع ۲۷هزار و ۷۰۱واقعه طلاق که در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۲به ثبت رسیده، کمتر یسن طلاق به‌ترتیب مربوط به استان‌های ایلام با ۱۸۵واقعه، خراسان جنوبی با ۳۱۲واقعه و کهگیلویه و بویراحمد با ۲۷۴واقعه است.

۱۱۱

۶۴۲۹

بیشترین طلاق ثبت‌شده در ۲ماهه نخست سال ۱۴۰۲ نیز به ترتیب مربوط به استان تهران با ۲۲۹واقعه، خراسان رضوی با ۴هزار و ۶۸واقعه و اصفهان با ۲هزار واقعه بوده است.

۱۱۱

۵

تنها ۵۵درصد از ازدواج‌های دانشجویی در سال ۱۴۰۱به طلاق منجر شد و این درصد در برابر درصد کلی پدیده طلاق، نشان‌دهنده پایداری ازدواج‌های دانشجویی است.

۱۱۱

۳۹/۹

در سال ۱۴۰۱ میانگین سن طلاق برای آقایان ۳۹٫۹ و برای بانوان ۳۵٫۵ ثبت شده است که نسبت به ۱۰سال گذشته، ۵سال سن طلاق افزایش یافته است. این آمار در مناطق روستایی ۳سال کمتر از مناطق شهری است.

طرح مسئله

### دریچه‌های حقوقی که باید بسته شوند

این پرونده قرار است درباره چه چیزی صحبت کند؟ درباره طلاق. شاید در ابتدای امر بگویید که درباره طلاق بسیار گفته و شنیده شده است، پس چه حرف تازه‌ای قرار است بزنید که احتمالاً نشنیده‌ایم؟ قرار است از آمار و ارقام طلاق بنویسید؟ یا چه چیزهای دیگری؟ اینها را که غالباً می‌دانید و تکرار مکررات است؛ پس چه نکته بدیعی در این ماجرا وجود دارد که باید به آن بپردازیم؟

مسئله اصلی‌ای که باید به آن بپردازیم، فرمالیته شدن و صوری شدن بخش مهمی از مسیر حقوقی و قضایی طلاق است. البته روی کاغذ همه‌چیز خوب است و به‌خوبی باید پیش برود. طرفین باید جلسات مشاوره برگزار کنند و قاضی سعی می‌کند کمی این فرایند را دیرتر برگزار کند تا شاید برگشتی اتفاق بیفتد. در واقع روح حاکم بر قوه‌قضاییه این است که برگشت‌های بیشتری در مسیر طلاق و مسیر حقوقی آن اتفاق بیفتد. اما...

همه نکته‌ها در همین توضیحات بعد از «اما» است. جلسات مشاوره برای اینکه زوجین بفهمند مشکل‌شان چیست بسیار خوب است ولی وقتی که جلسه مشاوره تبدیل شود به چند سؤال ظاهری و یک امضایی که صرفاً قرار است کامل‌کننده پرونده باشد و اهمیت و اثرگذاری بیشتری ندارد، در این صورت چه خواهد شد؟ در این صورت اساساً همان آمار و ارقام را مشاهده خواهیم کرد؛ چون اینها اثر واقعی ندارند و صرفاً قرار است کامل‌کننده ماجرا باشند که فرارواری کسی گیر ندهد که چرا این امضا نبود و آن جلسه نبود و بهمان مشاوره اتفاق نیفتاد.

نکته‌های بعد آنجاست که بخشی از افرادی که در این فرایند وجود دارند، اساساً تبدیل به تسریع‌کنندگان و تسهیل‌کنندگان فرایند می‌شوند؛ یعنی راه و چاهی را نشانمان می‌دهند که سریع‌تر بتوانید طلاق بگیرید. آنها ضمانت می‌کنند، پول‌شان را می‌گیرند و از تجربه‌ای که در این زمینه دارند، استفاده می‌کنند تا امضا‌های نهایی پای حکم طلاق سریع‌تر ثبت شده و کار تمام شود. اینها مسائلی هستند که باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند و اساساً مافیاهای طلاق و تسریع‌کنندگان طلاق، باید مورد رصد قرار گرفته‌ و همه راه‌های دررو حقوقی و قضایی که احتمال سوءاستفاده به آنها را می‌دهد، بسته شود.

اینها البته بدان مفهوم نیستند که امر طلاق را با وجود اینکه حس مثبتی به آن نداریم، کلانفی کنیم، بخشی از ازدواج‌ها و زندگی‌ها، هر قدر هم که جلوتر برسند راه به جایی نخواهند برد و این خانواده‌ها ظاهراً با جدایی دچار اصلاح خواهند شد تا هر کسی دنبال زندگی بعدی خودش برود. طبیعی است که اگر سختگیری بیش از حدی در این زمینه نخواهد صورت بگیرد، در آن صورت خودش آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی بیشتری را ایجاد خواهد کرد. اما هر چیزی باید در جای خودش باشد؛ باید این اتفاق تلخ بیفتد و اگر کند شدن روند طلاق می‌تواند احتمال بازگشت زوجین را به‌همراه داشته باشد، باز هم باید اتفاق بیفتد.

مسئله اینجاست که شاید تمرکز خاصی روی این جنبه از راه‌های درروی حقوقی صورت نمی‌گیرد و همین‌ها، دریچه‌های سوءاستفاده را باز می‌دارند.

شاید بلاشکیه، بتوان در بعضی موارد، طلاق را شبیه خودکشی فرض کرد. بسیار شنیده‌ایم که کادر درمان و نیروهای پزشکی، اشاره می‌کنند که افرادی را برای درمان نزدشان آورده‌اند که مثلاً قرص برنج خورده‌اند؛ اما نکته اینجاست که مثلاً آن دختر نوجوان ۱۶ساله، صرفاً برای ترساندن و زهر چشم‌گرفتن از والدین خود اقدام به چنین کاری کرده و وقتی که با عواقب سنگین کار خود روبه‌رو می‌شود، سسلی محکمی از واقعیت خورده و التماس می‌کند که او را به زندگی بازگردانند. در این هنگام است که شاید برخی از زوجین، وقتی که با عواقب تلخ تصمیم خود روبه‌رو بشوند، مانند صحنه پریشانی و آوارگی فرزندان و غم و اندوه اطرافیان از تصمیم خود منصرف نشوند؛ ولی اگر این فرایند سریع اتفاق بیفتد، شاید طرف با خودش بگوید حالا که اتفاق افتاده، دیگر افتاده و کاریش نمی‌شود کرد.

در واقع در کنار کاتالیزورهای فرهنگی، سنتی و خانوادگی برای اینکه افراد متقاضی طلاق را به زندگی بازگردانند، کاتالیزورهای حقوقی و قضایی هم می‌توانند شمر ثمر باشند. فکرش را بکنید!اگر در نوع پذیرش درخواست‌های طلاق توافقی دقت بیشتری شود، اگر مشاوره‌ها توسط افراد دانشجو و متخصص انجام شود، اگر ریش سفیدی در این حوزه باب شود و اگر...، چه‌بسا که خانواده‌های بسیاری از راه رفته فروپاشی، بازگردند و دوباره به کانون گرم خانواده‌شان فکر کنند.

البته میزان پرونده‌های ورودی به قوه‌قضاییه بسیار بالاست و تمرکز اصلی و اولویت آنها مدیریت این پرونده‌هاست. به‌نظر می‌رسد که نهادهای ارگان‌های مرتبط با خانواده در بدنه حاکمیت و حتی بدنه خصوصی، باید استین بالا بزنند و در این زمینه، در کنار قوه‌قضاییه بایستند تا کانون خانواده، کمتر از گذشته در معرض تهدید روبه‌های قابل سوءاستفاده حقوقی و قضایی طلاق قرار بگیرد...